

Identifying the factors that affect the promotion of a sense of vitality in cultural places from the perspective of architects

Mehrnaz Namavar¹, Tayebbeh Valian*²

¹ Master's student, Department of Architecture, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran. (Corresponding author)
namavarmehrnaz@gmail.com

² Assistant Professor, Department of Architecture, Shahrood Branch, Islamic Azad University, Shahrood, Iran.
Ta.valian@iau.ac.ir

ABSTRACT

Received: 08 March 2025
Revised: 27 April 2025
Accepted: 06 May 2025
Available Online: 10 June 2025

Article type: Research Paper
<https://doi.org/10.82394/sbea.2025.1203580>

In the contemporary world, with the expansion of the use of new technologies and changes in lifestyle, the presence of people in urban spaces has decreased, which has led to a decrease in social interactions and urban vitality. Since vitality is one of the main indicators of the quality of urban environments, identifying the factors affecting it is a fundamental step towards improving public spaces, including cultural centers. The aim of this research is to examine and prioritize the factors affecting the vitality of urban spaces, especially cultural places. First, through library studies, relevant theoretical foundations were examined and the components affecting vitality were identified. Then, in the field phase, data were collected through a questionnaire and analyzed in SPSS software. The statistical population of the study included professors and students of architecture at the undergraduate and graduate levels, and the data obtained were analyzed using the Friedman test. The factors that affect the vitality of cultural spaces fall into four categories: functional-activity, socio-cultural, physical-spatial, and environmental. Based on the results, the socio-cultural component has the greatest impact on the vitality of cultural places. This component includes factors such as social interactions, sense of belonging to the place, citizen participation, and cultural richness of the spaces. After that, the physical component, which includes flexibility, accessibility, and invitingness of the space. The functional-activity and environmental components are also ranked next, respectively, but their impact is still significant. Overall, the findings of this study emphasize the importance of paying attention to social and cultural dimensions in the design and management of urban spaces.

KEYWORDS

vitality, cultural places, cultural center, urban spaces

* Corresponding author.

E-mail address: namavarmehrnaz@gmail.com



تبیین مؤلفه‌های اثرگذار بر ارتقاء حس سرزندگی در مکان‌های فرهنگی از دیدگاه معماران

مهرناز نام‌آور^{۱*}، طیبه ولیان^۲

^۱ دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، گروه معماری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.

namavarmehrnaz@gmail.com

^۲ استادیار گروه معماری، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.

Ta.valian@iau.ac.ir

چکیده

در دنیای معاصر، با گسترش استفاده از فناوری‌های نوین و تغییر سبک زندگی، حضور افراد در فضاهای شهری کاهش یافته که منجر به کاهش تعاملات اجتماعی و سرزندگی شهری شده است. از آنجاکه سرزندگی یکی از شاخص‌های اصلی کیفیت محیط‌های شهری است، شناخت عوامل مؤثر بر آن گامی اساسی در راستای بهبود فضاهای عمومی از جمله مراکز فرهنگی است. هدف این پژوهش بررسی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های اثرگذار بر سرزندگی فضاهای شهری، به‌ویژه مکان‌های فرهنگی است. روش تحقیق توصیفی-تحلیلی است و در آن از رویکردهای کیفی و کمی بهره گرفته شده است. نخست، با مطالعات کتابخانه‌ای، مبانی نظری مرتبط بررسی شده و مؤلفه‌های تأثیرگذار بر سرزندگی شناسایی شدند. سپس، در مرحله میدانی، داده‌ها از طریق پرسشنامه گردآوری شده و در نرم‌افزار SPSS تحلیل شدند. جامعه آماری پژوهش شامل اساتید و دانشجویان رشته معماری در مقاطع کارشناسی و ارشد بوده و داده‌های به‌دست‌آمده با استفاده از آزمون فریدمن تحلیل شدند. مؤلفه‌های اثرگذار بر سرزندگی فضاهای فرهنگی در چهار دسته مؤلفه‌های عملکردی-فعالیتی، اجتماعی-فرهنگی، کالبدی-فضایی و زیست‌محیطی قرار می‌گیرند. بر اساس نتایج، مؤلفه‌های اجتماعی-فرهنگی بیشترین اثر را بر سرزندگی مکان‌های فرهنگی دارد. این مؤلفه شامل عواملی مانند تعاملات اجتماعی، حس تعلق به مکان، مشارکت شهروندان و غنای فرهنگی فضاها است. پس از آن، مؤلفه‌های کالبدی-فیزیکی، که شامل انعطاف‌پذیری، دسترسی و دعوت‌کنندگی فضا است. مؤلفه‌های عملکردی-فعالیتی و زیست‌محیطی نیز به‌ترتیب در رتبه‌های بعدی قرار دارند، اما تأثیر آن‌ها همچنان قابل توجه است. به‌طور کلی، یافته‌های این پژوهش بر اهمیت توجه به ابعاد اجتماعی و فرهنگی در طراحی و مدیریت فضاهای شهری تأکید دارند.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۱۸

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۲/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰

مقاله علمی پژوهشی

<https://doi.org/10.82394/sbea.2025.1203580>

واژگان کلیدی

سرزندگی، مکان‌های فرهنگی، فرهنگسرا، فضاهای شهری

مقدمه

امروزه، با تغییر سبک زندگی و گسترش استفاده از وسایل الکترونیکی، حضور مردم در فضاهای عمومی کاهش یافته که این امر به تدریج منجر به افت پویایی و سرزندگی فضاهای شهری شده است. تداوم این روند، باعث کاهش تعاملات اجتماعی میان افراد می‌شود، درحالی‌که انسان مدرن، باوجود پیشرفت‌های فناورانه، همچنان به برقراری ارتباط با هموعان خود نیاز دارد. ازاین‌رو، ایجاد فضاهای شهری پویا و سرزنده همواره یکی از اهداف اساسی برنامه‌ریزان و طراحان شهری بوده است (خوش‌اندام و صلواتیان، ۱۳۹۹). بی‌تردید، یک محیط شهری موفق و سرزنده، محیطی است که استعدادهای را پرورش داده، افراد را جذب کند و بتواند ابعاد اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی شهر را گسترش دهد (عارف حسینی و همکاران، ۱۴۰۰). بنابراین، درک مفهوم سرزندگی شهری برای نظارت بر سلامت، توسعه، رشد خلاقانه‌ی شهر و ترویج شهرنشینی انسان‌محور، امری ضروری است (حیدرزاده و حق، ۱۴۰۰). سرزندگی شهری ماحصل تعامل بین شهر و شهروندان می‌باشد. بنابراین اگر انسان‌ها به عنوان کاربران حاضر در فضای شهری و اهداف انسانی در طراحی‌ها در نظر گرفته نشود، شهرها که نقش مهمی در تضمین سلامتی روابط میان انسان‌ها را دارند، از نقش خود فاصله گرفته و چه بسا ممکن است این نقش را به کلی از دست بدهند (فرازمند و صبی زاده، ۱۳۹۲).

وظیفه‌ی اصلی یک فضای عمومی در شهر، ایجاد بستر مناسب برای فعالیت‌ها و تعاملات جمعی میان افراد است. مراکز فرهنگی نیز، به‌عنوان بخشی از فضاهای عمومی، از این قاعده مستثنا نیستند. بناهایی همچون فرهنگسراها، نقش مهمی در ارتقای تعاملات اجتماعی ایفا کرده و به‌عنوان ابزاری مؤثر در توسعه‌ی فرهنگی شهرها تأسیس می‌شوند (شربتیان، ۱۳۹۰). مراکز فرهنگی، به‌عنوان فضاهای عمومی شهری، افراد مختلف جامعه را گرد هم آورده و بستر مناسبی برای انجام فعالیت‌های فرهنگی فراهم می‌کنند. این فضاها با تسهیل تعاملات اجتماعی، نقشی مؤثر در تقویت ارتباطات و کنش‌های اجتماعی میان افراد ایفا می‌کنند (منصوری و ثقفی‌اصل، ۱۳۹۹).

پژوهش حاضر به طور خاص بر موضوع سرزندگی، مولفه‌های اثرگذار بر آن و اولویت‌بندی این مولفه‌ها متمرکز است. هدف از انجام این پژوهش بررسی و اولویت‌بندی مولفه‌های اثرگذار بر سرزندگی فضاهای شهری است. درواقع پژوهش به دنبال پاسخگویی به این پرسش است که «تأثیر کدام عوامل و مولفه‌ها بر سرزندگی فضاهای شهری بیشتر است؟». فرایند پژوهش بدینصورت است که پس از شناسایی مساله، به بررسی مبانی نظری و مولفه‌های اثرگذار بر سرزندگی پرداخته می‌شود. در نهایت مولفه‌ها به روش میدانی و با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند.

سرزندگی

در واژگان فارسی کلماتی چون شادی، شادابی، نشاط، حس حیات و رضایت از پرکاربردترین معادلات واژه سرزندگی هستند (Kooshali et al. 2015). سرزندگی کلید واژه‌ای میان‌رشته‌ای است که می‌تواند تعاریف متفاوتی در زمینه‌های مختلف داشته باشد (محمدخانی، ۱۳۹۵). ویلیام وایت، داندل اپلایرد و گلکار مفاهیم (Liveability) و (Liveliness) را مطرح کرده‌اند. سای پامیر از واژه (Vibrant)، مونتگومری، اکتای و جلال الدین واژه (Vitality) (Jalaladdin & Oktay, 2012)، لینچ واژه (Vitality) (Lynch, 1998) و جان روس از واژه (Quality of life) برای سرزندگی استفاده می‌کند. (Pourmohammad & Nejad Sattari, 2011).

رابرت کوان سرزندگی را مناسب برای زندگی و فراهم آوردن کیفیت زندگی مطلوب تعریف می‌کند. این اصطلاح به عنوان یکی از کیفیت‌های مهم سازنده فضاهای شهری است که در آراء بسیاری از نظریه پردازان مسائل شهری و اجتماعی مورد توجه قرار گرفته است (نصری و حسخانی، ۱۳۹۶) و (Jin et al. 2017).

جان روس سرزندگی را «کیفیت زندگی بدان گونه که توسط مردم در فضای شهری ادراک و تجربه می‌شود» تعریف می‌کند (Kooshali et al. 2015).

در تفسیری اجتماعی- اقتصادی از مفهوم سرزندگی سه خصیصه عمده قابل توجه است: (۱) جمعیت (۲) فعالیت

اقتصادی (۳) امکانات در دسترس. بنابراین سرزندگی جامعه باید به عنوان عاملی که پیامدهای خاص اجتماعی، اقتصادی و محیطی را برای جامعه ببار می آورد در نظر گرفته شود. در نهایت می توان گفت وجود یک محیط سرزنده برای برخورداری از آرامش ذهنی، سلامتی و عملکرد و همچنین موفقیت در دوره های متنوع زندگی از جمله موفقیت در زندگی شخصی و کیفیت شبکه های اجتماعی دارای اهمیت است (صمدی تودار، ۱۳۹۴). فضای شهری سرزنده عبارت است از یک فضای شهری که در آن حضور تعداد قابل توجهی از افراد و تنوع آنها (به لحاظ سن و جنس) در گستره ی زمانی وسیعی از روز که فعالیت هایشان عمدتاً به شکل انتخابی یا اجتماعی بروز می یابد (محمدی، ۱۳۹۴).

جین جیکوبز مدعی بود که شهرهای سالم و با نشاط، شهرهایی ارگانیک، خودجوش و سرزنده هستند. آنها برپایه تنوع اقتصادی و انسانی، معماری، جمعیت های متراکم و اختلاط کاربری ها بنا شده اند. او پویایی و احساس زنده بودن شهر را در گرو مراکز شهری پیچیده، متراکم و پرازدحام می داند و به آثار مثبت اقتصادی- اجتماعی و روانی- عاطفی اینگونه مراکز اشاره می کند: محدوده ترجیحاً دارای دو کارکرد اصلی بوده، غالب بلوک ها کوتاه باشند، منطقه ترکیبی از ساختمان هایی با سن و شرایط متفاوت باشد و چهارم اینکه تراکم فشرده کافی مردم صرف نظر از علت حضورشان وجود داشته باشد (Jacobs, 1987). به این ترتیب، تراکم، اختلاطی از کاربری ها و ساختمان های گوناگون به همراه حضور و جنبوجوش مردم، تصویر یک مرکز شهر ایده آل را در اندیشه های جیکوبز فراهم می آورند (عظمتی و همکاران، ۱۳۹۷). لنینج سرزندگی را این گونه تعریف می کند: سرزندگی، یعنی اینکه تا چه اندازه شکل شهر حامی عملکردهای حیاتی و نیازهای بیولوژیکی بوده و از همه مهمتر چگونه بقاء همه موجودات را ممکن می سازد (عظمتی و همکاران، ۱۳۹۷ به نقل از لنینج، ۱۹۸۱).

از نظر کریر یکی از عوامل موثر در سرزندگی فضاهای شهری ورودی های ساختمان های مجاور این گونه فضاهاست که بهتر است به داخل خیابان یا میدان باز شود تا فضای شهری از فعالیت حیاتی خود محروم نشود. همچنین باید کاربری هایی در اطراف میدان و فضاهای شهری ایجاد کرد که عملکرد شبانه روزی داشته باشند (Carr et al, 1992). از نظر رایان و فردریک، سرزندگی در وضعیت خاص یا پس از انجام رویدادهای خاص در فرد ایجاد می شود و چیزی بیش از برانگیختگی، فعال بودن و یا داشتن منابع ذخیره کالری در فرد است. سرزندگی به معنای داشتن انرژی جسمی و روحی، تعریف شده است که افراد، احساس شور و شوق، سلامتی و انرژی در وجود خود می کنند. به نظر این احساس، نوعی تجربه ی خاص روانشناختی است که در این تجربه، حس شور زندگی و روحیه در افراد قابل مشاهده است (Ryan & Fredrick, 1997).

بسیاری از نظریه پردازان و اندیشمندان حوزه ی معماری و شهرسازی به موضوع سرزندگی در فضاهای معماری و شهری پرداخته و عوامل مؤثر بر ایجاد سرزندگی در این فضاها را برشمرده اند. برخی از آن ها سرزندگی را در مقیاس کلان مورد بررسی قرار داده اند، در حالی که برخی دیگر آن را از دیدگاهی جزئی تر و در مقیاس خرد تحلیل کرده اند. به عنوان مثال، تحقیقاتی که باری شرمندر سال ۱۹۹۸ انجام داد نشان می دهد که سرزندگی محصول کیفیت بصری محیط و تنوع فعالیت هاست. از دیدگاه سای پامیر مؤلفه های سرزندگی شامل ۱- اختلاط کاربری، ۲- تشویق فشرده ی، ۳- تراکم توسعه، ۴- توازن فعالیت ها، ۵- سهولت دسترسی، ۶- افزایش پیوندهای عملکردی، ۷- هویت و تاریخ می باشد. اصول و معیارهای انجمن معماران ایالات متحده برای سرزندگی در جوامع قابل زیست موارد زیر است: رعایت مقیاس انسانی در طرح ها، تقویت اختلاط کاربری، حفظ مراکز شهری، گزینه های متنوع رفت و آمد، استفاده از وسایل حمل و نقل، هویت، حس مکان، فضاهای سبز و کیفیت بالای طراحی در تک ساختمان ها (Allison et al., 2005). کوین لنینج، چارلز لاندردی (2000)، جان مونتگومری، ویلیام وایت، دیوید چپمن، جین جیکوبز، بارتن و همکارانش،

بنتلی (۱۹۸۵) (بنتلی و همکاران، ۱۳۸۲)، مارتین (۲۰۰۵)، گومز وارو، دلکوس-آلیو و میرالس-گواش (۲۰۲۲)، لیو و همکاران (۲۰۲۲) از جمله نظریه پردازانی هستند که در رابطه با موضوع سرزندگی و مولفه های اثرگذار بر آن به تحقیق و پژوهش پرداخته‌اند. از میان نظریه‌پردازان داخلی نیز گلکار (۱۳۸۶)، بحرینی (۱۳۸۲)، بازوندی و شهبازی (۱۳۹۳)، طلوع دل و سادات (۱۳۹۶)، مصلی نژاد و همکاران (۱۳۹۷)، هدایت نژاد کاشی و همکاران (۱۳۹۸)، نهلوندی (۱۳۹۹)، خوش اندام و صلواتیان (۱۳۹۹)، مدنی پور (۱۳۸۷)، دادپور (۱۳۹۰)، مولایی هاشجین و همکاران (۱۴۰۰)، عموزاده لیچایی و ابی زاده (۱۴۰۱)، بختیاری‌منش و بختیاری‌منش (۱۴۰۰)، حسینی و همکاران (۱۴۰۰)، اسکوئی ارس و حکیمی (۱۴۰۰)، خراسانی زاده و همکاران (۱۳۹۹)، اسدی، حسین‌آبادی و مودودی (۱۳۹۹)، شریفی نیا (۱۳۹۹)، شهبازی، یگانه و بمانیان (۱۳۹۸)، موسوی و همکاران (۱۴۰۱)، معروفی (۱۴۰۰) به موضوع سرزندگی و مولفه‌های اثرگذار بر آن پرداخته‌اند.

با اقتباس از پژوهش‌های انجام‌شده، عوامل و مولفه‌های اثرگذار بر سرزندگی در دسته‌های مولفه عملکردی-فعالیتی، مولفه اجتماعی-فرهنگی، مولفه کالبدی-فضایی و مولفه زیست‌محیطی، در قالب شکل زیر ارائه می‌گردد (شکل ۱):



شکل ۱. مولفه‌های اثرگذار بر سرزندگی فضا (منبع: دادپور، ۱۳۹۰؛ عموزاده لیچایی و ابی زاده، ۱۴۰۱؛ جان مونتگومری؛ شرمندر، ۱۹۹۸؛ هنری شفتو؛ چارلز لاندی؛ بارتن و همکاران؛ سای پامیر؛ دیوید چپمن؛ جین جیکوبز؛ گلکار، ۱۳۸۶؛ جهان‌شاه پاکزاد؛ مصلی نژاد، ۱۳۹۷؛ بحرینی، ۱۳۸۲؛ نهلوندی، ۱۳۹۹؛ موسوی و همکاران، ۱۴۰۱؛ گومز وارو و همکاران، ۲۰۲۲؛ خراسانی زاده و همکاران، ۱۳۹۹؛ مولایی هاشجین و همکاران، ۱۴۰۰؛ بازوندی و شهبازی، ۱۳۹۳؛ بنتلی، ۱۹۸۵؛ طلوع دل و سادات، ۱۳۹۶؛ بختیاری‌منش، ۱۴۰۰؛ اسدی و همکاران، ۱۳۹۹؛ خوش اندام و صلواتیان، ۱۳۹۹؛ هدایت نژاد کاشی و همکاران، ۱۳۹۸)

فرهنگ

واژه فرهنگ که ریشه در زبان لاتین کلاسیک دارد، ابتدا در آلمان به کار رفت، اما نه با معنای کنونی آن، بلکه به مفهوم کشت و کار و بهسازی. در حقیقت، ظهور مفهوم پیشرفت در تاریخ، یکی از عوامل کلیدی در شکل گیری برداشت نوین از فرهنگ بود. در عصر رنسانس، بر خلاف دوره های پیشین، این حس در افراد ایجاد شد که بشر به طور ناخواسته به دستاوردهای بزرگ و تازه ای رسیده و پیشرفت چشمگیری داشته است. این پیشرفت، ناشی از خردورزی و گسترش روشنگری تلقی می شد (کمائی و کابلی، ۱۴۰۳).

فرهنگ، چنان که یونسکو تعریف می کند، دربرگیرنده تمامی اعمال و واکنش های فردی در تعامل با محیط پیرامون است و جوهره زندگی اجتماعی را شکل می دهد. این تعریف، فرهنگ را مجموعه ای از روش ها و شرایط زندگی یک جامعه می داند که بر پایه سنت ها، دانش ها و اشکال گوناگون بیان و تحقق فردی در بستر جامعه شکل گرفته است. همچنین، تعریف شناخته شده ای ادوارد تیلور، انسان شناس برجسته، فرهنگ را به عنوان یک کلیت پیچیده متشکل از دانش، باورها، هنر، اخلاقیات، قوانین، آداب و رسوم، و تمام توانایی ها و عاداتی معرفی می کند که انسان به عنوان عضوی از جامعه کسب می کند. به طور خلاصه، فرهنگ را می توان مجموعه ای نسبتاً منسجم و درهم تنیده از پدیده های انتسابی و اکتسابی در حوزه های رفتاری و فکری دانست که در زمان و مکان مشخصی در یک جامعه مورد قبول واقع شده و از طریق فرایند اجتماعی شدن از نسلی به نسل دیگر منتقل می شود (خستو، ۱۴۰۲). فرهنگ، در قالب نمادهای متنوع، بازتاب دهنده زندگی دیرین انسان ها در عصر حاضر است. فرهنگ، نمود زندگی کهن در زیست بومی است که جوامع با آن سازگار می شوند و در دوره های مختلف، تحت تأثیر عوامل گوناگون، اشکال متفاوتی به خود می گیرند؛ با این حال، هسته نژادی-سنتی خود را حفظ می کند. فرهنگ در باورهای امروزی، پوششی از دوران نوسنگی را به نمایش می گذارد. از این رو، کلیتی یکپارچه از نظام مفاهیم و کاربردها، سازمان ها و مهارت هاست (کمائی و کابلی، ۱۴۰۳).

مکان و فضای فرهنگی

مکان یا مراکز فرهنگی و فرهنگسرا، با تعریف امروزی خود، بر خلاف نمونه های فضایی گوناگونی که در ایران و سایر کشورها قدمتی به بلندای شهرنشینی دارند، تاریخچه ی طولانی ندارد. اولین فرهنگسرای مدرن، با نام «خانه فرهنگ»، در سال ۱۹۶۲ توسط آندره مالرو (André Malraux) در فرانسه تأسیس شد. در واقع، مالرو ایده ایجاد خانه فرهنگ را از برنامه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی «خلق فرانسه» الهام گرفت. او معتقد بود که خانه های فرهنگ، همانند کلیساهای، به جای آموزش مسائل مذهبی، فرهنگ ارائه می دهند. وی نقش مراکز آموزشی را برای خانه های فرهنگ فرانسه مهم می دانست و بر این باور بود که افراد غیر حرفه ای نباید به آن راه یابند و این مراکز باید به عنوان الگو برای آموزش دیگران عمل کنند، نه اینکه محل تجربه و آزمایش باشند.

با گذشت زمان و انباشت تجربه شهروندی در سراسر جهان، امروزه برداشت و درک دیگری از فرهنگسرا و امر فرهنگی وجود دارد. فرهنگسرا، فضایی عمومی است که در آن تعامل انسانی میان اقشار گوناگون جامعه برقرار است و مختص و منحصر به یک طبقه خاص فرهنگی و اقتصادی نیست (بمانیان، ۱۳۹۱). فضای عمومی، تمامی بخش های بافت شهری است که عموم مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند؛ فضایی است که در آن با غریبه ها سهیم هستیم، مردمی که اقوام، دوستان یا همکاران ما نیستند. فضایی برای سیاست، مذهب، داد و ستد و ورزش؛ فضایی برای همزیستی مسالمت آمیز و برخوردهای غیرشخصی. بنابراین، ویژگی اصلی فضاهای عمومی این است که «زندگی جمعی، فرهنگ شهری و مباحث روزمره ما را بیان می کند و در ضمن بر آن ها تأثیر می گذارد». بر این اساس، مراکز فرهنگی نه تنها

بخشی از فضای عمومی هستند، بلکه مانیفست فضای عمومی به حساب می‌آیند. فرهنگسرا، مکانی است که در آن باید تعامل انسانی و تبادل فرهنگی میان تمام اقشار جامعه در تمام سنین و طبقات اجتماعی برقرار باشد. بنابراین، فرهنگسرا نه در حکم بنای باشکوهی که مخاطبی خاص از یک طبقه ویژه دارد، بلکه به عنوان فضای عمومی‌ای که در واقعیت، با حیات روزمره و زندگی مردم شهر به صورت فعال درگیر است، واجد معناست و ارزش کارکردی و نه صرفاً نمادین دارد (هریسون، ۱۳۸۳). مجموعه فرهنگی، در زندگی امروز، فضایی فرهنگی-تفریحی است که هم‌راستا با سایر فعالیت‌های شغلی در محیطی ساخت‌یافته و شهری قرار دارد. آرامش و استراحت جسم و روح بسیار ضروری است و این، کمترین توجهی است که می‌توان به انسان‌ها داشت. در این راستا، شکوفایی اندیشه‌ها و استعدادها، جایگاه ویژه‌ای دارد. از این رو، مجموعه‌های فرهنگی با هدف پرورش ذوق و استعداد افراد، به‌ویژه جوانان، و به عنوان مکانی برای تغذیه روانی شهروندان در محیطی هنری، و نیز توسعه و انتشار ابعاد هنر در زندگی افراد و شناساندن جنبه‌های گوناگون زندگی، ایجاد می‌شوند. مراکز و سازماندهی‌های فرهنگی، به طور کلی، در راستای توسعه و حفظ عوامل فرهنگی یک جامعه به وجود می‌آیند و هدف اصلی آن‌ها، رفع نیازهای فرهنگی افراد جامعه است (کمائی و کابلی، ۱۴۰۳).

روش تحقیق

این پژوهش از نظر ماهیت و روش در دسته‌ی پژوهش‌های توصیفی-تحلیلی قرار می‌گیرد. همچنین، از نظر نحوه‌ی گردآوری و تحلیل داده‌ها، هر دو رویکرد کیفی و کمی در آن به کار گرفته شده است. در مرحله‌ی نخست، داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده و به روش کیفی، مؤلفه‌های اثرگذار بر سرزندگی استخراج شدند. پس از بررسی مفاهیم و عوامل مؤثر بر ارتقای حس سرزندگی در یافته‌های پژوهش‌های پیشین، مؤلفه‌ها و شاخص‌هایی از آن‌ها استخراج شد. این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها با یکدیگر تطبیق داده شده و اشتراکات حاصل به‌عنوان متغیرهای این پژوهش انتخاب گردید که شامل مؤلفه‌های عملکردی-فعالیتی، اجتماعی-فرهنگی، کالبدی-فیزیکی و زیست‌محیطی (متغیرهای وابسته) و ارتقای سرزندگی در فضاهای فرهنگی (متغیر مستقل) می‌باشد.

در مرحله‌ی بعد، به‌منظور راستی‌آزمایی و اولویت‌بندی این مؤلفه‌ها در مکان‌های فرهنگی، از روش میدانی استفاده می‌شود. متغیرهای تأثیرگذار بر حس سرزندگی در چند دسته‌ی کلی طبقه‌بندی شده و از طریق پرسشنامه مورد سنجش قرار گرفتند. اعتبار پرسشنامه با استفاده از شاخص KMO و آزمون بارتلت و پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفت.

جامعه آماری در این پژوهش، کلیه اساتید و دانشجویان معماری در حال تحصیل در دانشگاه حکیم سبزواری هستند. بنابراین شرکت‌کنندگان در این آزمون شامل اساتید و دانشجویان مقاطع کارشناسی و ارشد رشته مهندسی معماری بودند که بصورت تصادفی انتخاب شدند. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها توسط شرکت‌کنندگان، تعداد ۵۰ پرسشنامه جمع‌آوری و مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. تجزیه و تحلیل داده‌ها در این مرحله به روش کمی و با استفاده از آزمون فریدمن (Friedman) در نرم‌افزار SPSS انجام شد.

آزمون فریدمن

آزمون فریدمن برای طراح‌های درون گروهی (نمونه‌های وابسته) مناسب است. این آزمون تعمیم‌یافته آزمون ویلکاکسون است و معادل ناپارامتریک آزمون اندازه‌های مکرر است. در این آزمون یک گروه افراد یا آزمودنی داریم که هدف، مقایسه تغییرات نمرات (میانه) در چند وضعیت یا مقطع زمانی است. سطح سنجش متغیر در این آزمون باید ترتیبی باشد. پژوهشگران عموماً از این آزمون جهت رتبه‌بندی یا اولویت‌بندی متغیرها استفاده می‌کنند (کریمی، ۱۳۹۴).

برای مثال پژوهشی با هدف تعیین و رتبه‌بندی «مهمترین ویژگی‌های اساتید دانشگاه» در دانشگاه شیراز انجام شد

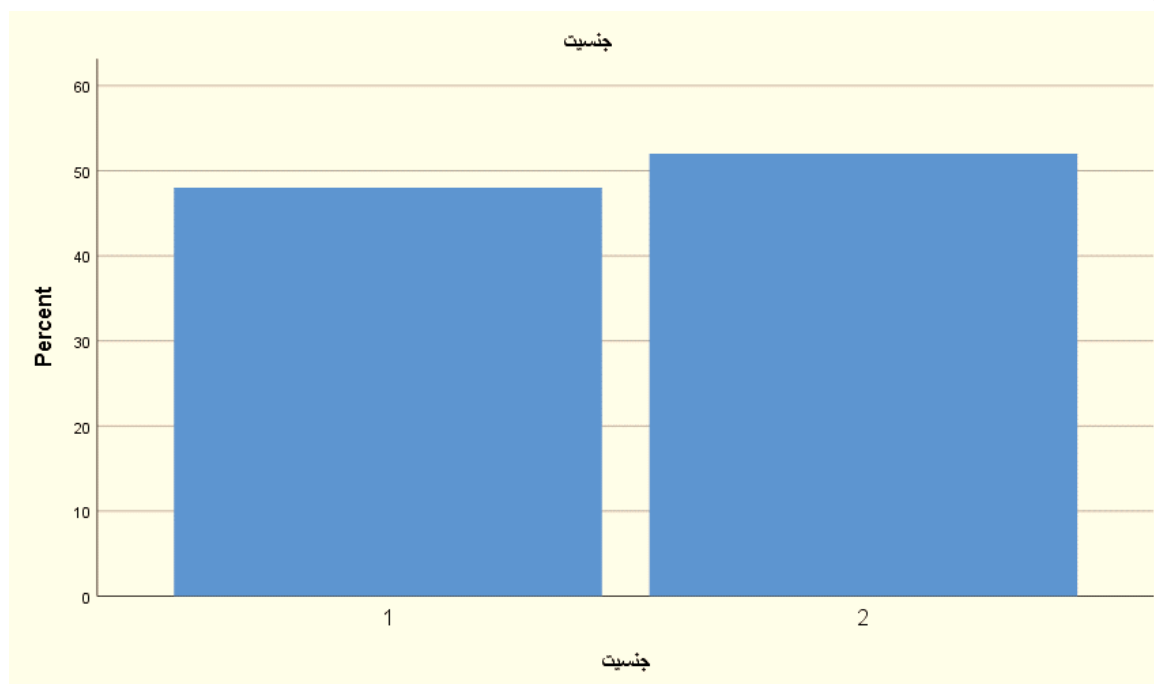
و در آن از صد دانشجوی دکتری دانشگاه شیراز پرسیده شد که نظر خودشان را در ارتباط با هرکدام از ویژگی های مطرح شده اساتید در پرسشنامه ابراز کنند. از دانشجویان پرسیده شد که تا چه حد به هرکدام از ویژگی های اساتید اهمیت می دهند؟ پنج ویژگی مطرح شده در ارتباط با اساتید عبارتند از: تسلط علمی، اخلاق خوب در روابط با دانشجویان، ظاهر مرتب و آراسته، فن بیان مناسب و رعایت انصاف در نمره دهی. دانشجویان به هرکدام از ویژگی های مطرح شده در قالب طیف ۱۱ گزینه ای (از ۰ تا ۱۰) نمره دادند (کریمی، ۱۳۹۴).

در پژوهش حاضر باتوجه به اینکه عوامل و مولفه های اثرگذار بر سرزندگی در دسته های مولفه عملکردی-فعالیتی، مولفه اجتماعی-فرهنگی، مولفه کالبدی-فضایی و مولفه زیست محیطی، قرار گرفتند و برای هر یک از این مولفه ها براساس شکل ۱، تعدادی ریزمولفه تعیین گردید، پرسشنامه براساس این مولفه ها و ریزمولفه ها طراحی شده و در اختیار افراد موردآزمون قرار گرفت. نتایج حاصل از تحلیل پرسشنامه در ذیل ارائه شده است:

یافته های تحقیق

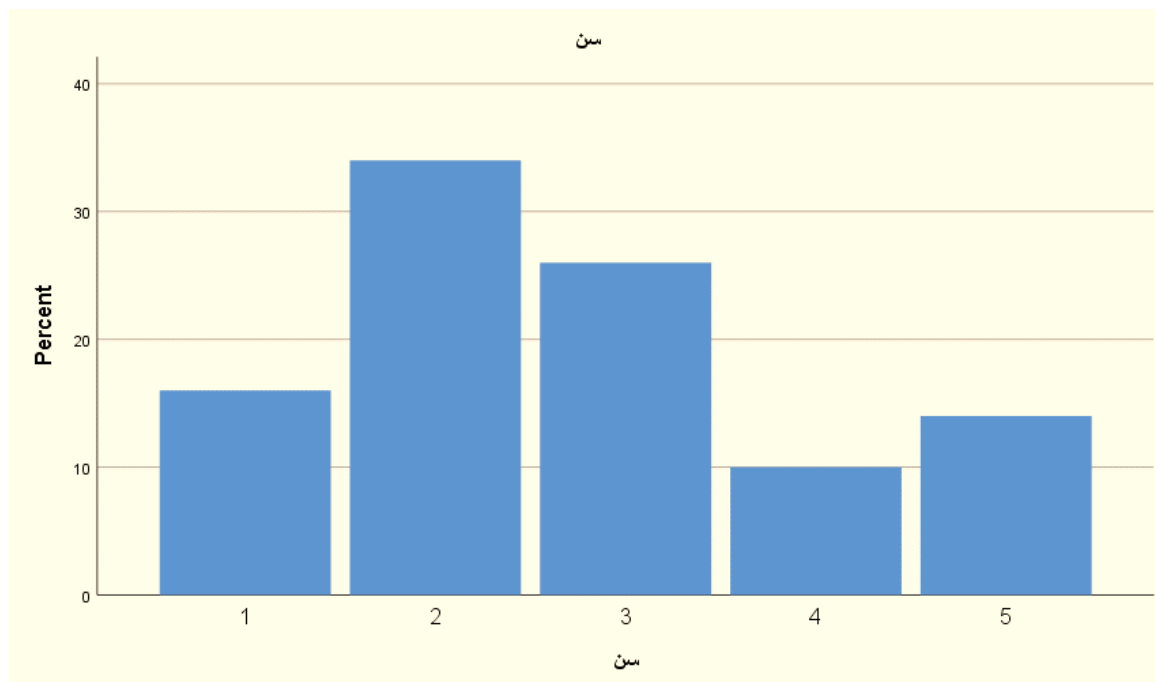
همانطور که بیان گردید، مولفه ها و شاخص های اثرگذار بر سرزندگی در چهار دسته استخراج گردید که شامل مولفه های عملکردی-فعالیتی، اجتماعی-فرهنگی، کالبدی-فیزیکی و زیست محیطی هستند؛ هر یک از این مولفه ها نیز دارای ریزمولفه های دیگری هستند. بدین ترتیب در پژوهش حاضر تعداد پنج پرسشنامه طراحی گردید و در اختیار افراد قرار گرفت. پس از تکمیل و جمع آوری پرسشنامه ها، به تجزیه و تحلیل آنها پرداخته شد. نتایج تجزیه و تحلیل داده ها در ذیل ارائه شده است.

توصیف داده ها

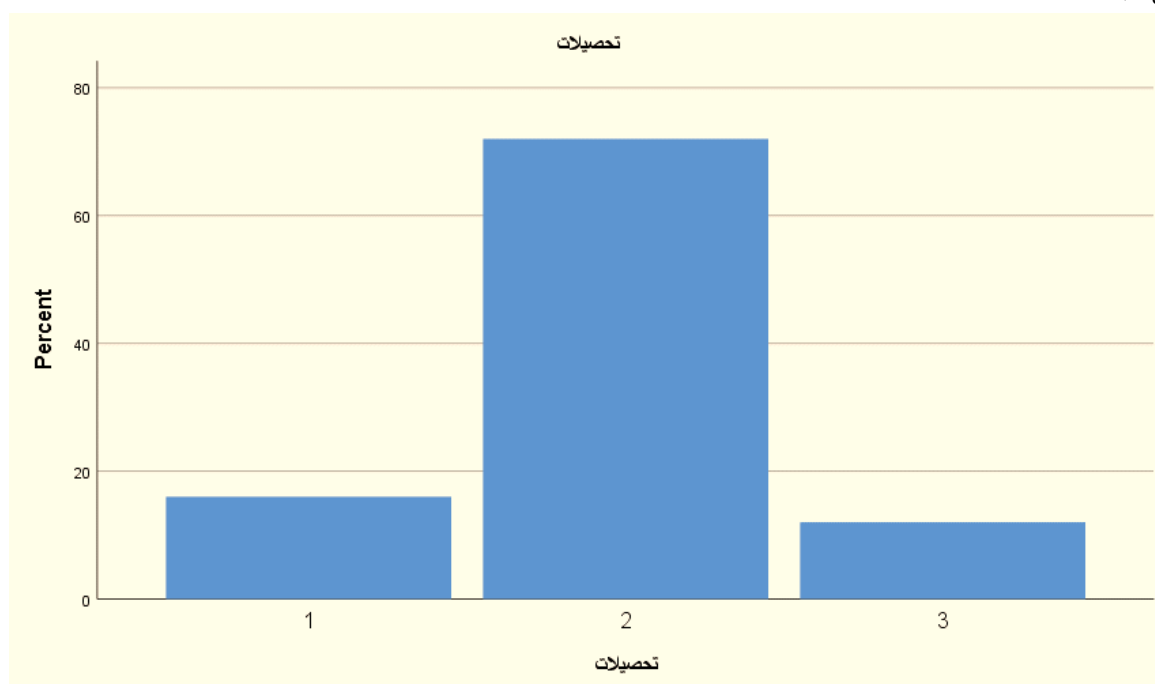


شکل ۲. توزیع فراوانی متغیر جنسیت (۱: آقا، ۲: خانم)

براساس نمودار فوق، ۴۸٪ آقا و ۵۲٪ خانم در آزمون شرکت نموده اند (شکل ۲).



شکل ۳. توزیع فراوانی متغیر سن (۱: ۲۰-۲۵ سال، ۲: ۲۵-۳۰ سال، ۳: ۳۰-۳۵ سال، ۴: ۳۵-۴۰ سال، ۵: ۴۰-۵۰ سال)
 براساس نمودار فوق، از تعداد کل شرکت کنندگان، رده سنی ۲۰-۲۵ سال ۱۶٪، رده سنی ۳۰-۳۵ سال ۳۴٪، رده سنی ۳۵-۴۰ سال ۲۶٪، رده سنی ۴۰-۳۵ سال (۱۰ و رده سنی ۵۰-۴۰ سال ۱۴٪ در این آزمون شرکت نموده‌اند (شکل ۳).



شکل ۴. توزیع فراوانی متغیر تحصیلات (۱: کارشناسی، ۲: کارشناسی ارشد، ۳: دکترا)
 براساس نمودار فوق، از افراد شرکت کننده در آزمون، ۱۶٪ در مقطع کارشناسی، ۷۲٪ در مقطع کارشناسی ارشد و ۱۲٪ در مقطع دکتری هستند (شکل ۴).

تحلیل عاملی اکتشافی

براساس جدول زیر، چنانچه میزان شاخص KMO بیشتر از ۰٫۷ باشد و شاخص بارتلت در سطح معنی‌داری کمتر

از ۰,۵ قرار داشته باشد، نشان می‌دهد که امکان انجام تحلیل عاملی معنی‌دار بر روی داده‌ها وجود دارد و متغیرها عامل‌پذیر هستند (جدول ۱).

جدول ۱. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی پرسشنامه A

KMO and Bartlett's Test		
Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		.713
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	24.216
	df	6
	Sig.	.000

مقدار شاخص KMO برای پرسشنامه A بیشتر از مقدار معیار ۰,۷ شده است و برابر با ۰,۷۱۳ است. مقدار آزمون بارتلت هم معنی‌دار است و سطح معنی‌داری (مقدار sig) کمتر از ۰,۵ است.

جدول ۲. نتایج تحلیل عاملی اکتشافی پرسشنامه B، C، D و E

KMO and Bartlett's Test		
Kaiser-Meyer-Olkin Measure of Sampling Adequacy.		.700
Bartlett's Test of Sphericity	Approx. Chi-Square	792.212
	df	465
	Sig.	.000

مقدار شاخص KMO برای پرسشنامه B، C، D و E برابر با مقدار معیار ۰,۷ شده است. مقدار آزمون بارتلت هم معنی‌دار است و سطح معنی‌داری (مقدار sig) کمتر از ۰,۵ است (جدول ۲).

استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، معمول‌ترین روش محاسبه پایایی است. قاعده کلی این است که مقدار آلفای کرونباخ یک مقیاس باید حداقل ۰,۷ باشد. به بیان دیگر چنانچه مقیاسی دارای میزان آلفای کرونباخ ۰,۷ و بالاتر باشد، می‌توان گفت که آن مقیاس دارای پایایی است (کریمی، ۱۳۹۴).

جدول ۳. مقدار آلفای کرونباخ

Reliability Statistics	
Cronbach's Alpha	N of Items
.803	35

مقدار آلفای کرونباخ در جدول فوق نشان داده شده است. همانطور که مشاهده می‌شود مقدار آلفای کرونباخ برابر با ۰,۸۰۳ بدست آمده که بیشتر از مقدار ۰,۷ است و بدین معناست که پرسشنامه طراحی شده برای سنجش مولفه‌های اثرگذار بر سرزندگی از پایایی قابل قبولی برخوردار است (جدول ۳).

نتایج آزمون فریدمن

پس از اینکه اعتبار و پایایی پرسشنامه‌ها مورد تایید قرار گرفت، می‌توان با استفاده از آزمون مناسب به تجزیه و تحلیل داده‌ها پرداخت. باتوجه به هدف پژوهش و نوع داده‌های موجود، آزمون فریدمن از مجموعه آزمون‌های SPSS برای تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش انتخاب گردید. آزمون فریدمن عموماً برای رتبه‌بندی یا اولویت‌بندی متغیرها استفاده می‌شود. در جداول زیر نتایج آزمون فریدمن برای هریک از پرسشنامه‌ها ارائه شده است:

جدول ۴. آزمون فریدمن پرسشنامه A (مولفه‌های اثرگذار بر سرزندگی)

Ranks	
	Mean Rank
A1	2.48
A2	2.79
A3	2.54
A4	2.19

در جدول فوق (جدول ۴)، رتبه‌بندی متغیرها را نشان می‌دهد. میانگین رتبه (Mean Rank) هریک از مولفه‌ها در جدول گزارش شده است. مقایسه میانگین رتبه‌ها نشان می‌دهد که بطور کلی، تمام مولفه‌ها تقریباً تاثیر یکسانی بر سرزندگی دارند و تمام اعداد بین ۲ تا ۳ بدست آمده است. اما بطور دقیق‌تر بالاترین میانگین رتبه (۲,۷۹) به مولفه A2، مولفه اجتماعی-فرهنگی اختصاص دارد. بدین معنا که مهم‌ترین مولفه اثرگذار بر سرزندگی از دیدگاه متخصصان، مولفه اجتماعی-فرهنگی است. در ذیل نمودار اولویت‌بندی مولفه‌ها نشان داده شده است:

جدول ۵. جدول معنی‌داری آزمون فریدمن پرسشنامه A (مولفه‌های اثرگذار بر سرزندگی)

Test Statistics ^a	
N	50
Chi-Square	6.046
df	3
Asymp. Sig.	.019
a. Friedman Test	

جدول فوق مهمترین جدول آزمون فریدمن است. ابتدا بایستی این جدول را ارزیابی کرد؛ در صورت معنی‌دار بودن آزمون فریدمن، نتایج جدول میانگین نیز قابل استناد می‌باشد. در جدول فوق بایستی میزان خطا (sig) کمتر از ۰,۰۵ باشد تا درستی نتایج آزمون فریدمن اثبات گردد. همانطور که مشاهده می‌شود میزان خطا برابر با ۰,۰۱۹ است که از میزان معیار ۰,۰۵ کمتر است (جدول ۵).

جدول ۶. آزمون فریدمن پرسشنامه B (ریز مولفه‌های عملکردی-فعالیتی)

Ranks	
	Mean Rank
B1	4.34
B2	4.71

B3	4.56
B4	3.89
B5	4.63
B6	3.73
B7	4.83
B8	5.31

مقایسه میانگین رتبه ها نشان می دهد که بالاترین میانگین رتبه (۵,۳۱) به مولفه B8، طراحی برای فعالیت های جمعی اختصاص دارد و بدین معناست که مهم ترین ریزمولفه ی عملکردی-فعالیتی اثرگذار بر سرزندگی، طراحی برای فعالیت های جمعی است (جدول ۶).

جدول ۷. جدول معنی داری آزمون فریدمن پرسشنامه B (ریزمولفه های عملکردی-فعالیتی)

Test Statistics ^a	
N	50
Chi-Square	18.058
df	7
Asymp. Sig.	.012
a. Friedman Test	

براساس جدول فوق میزان خطای آزمون فریدمن برای ریزمولفه های عملکردی-فعالیتی برابر ۰,۰۱۲ و کمتر از میزان خطای معیار است که این امر، درستی و قابل استناد بودن نتایج آزمون را نشان می دهد (جدول ۷).

جدول ۸. آزمون فریدمن پرسشنامه C (ریزمولفه های اجتماعی-فرهنگی)

Ranks	
	Mean Rank
C1	3.68
C2	4.65
C3	3.92
C4	4.76
C5	3.15
C6	4.76
C7	3.08

مقایسه میانگین رتبه ها نشان می دهد که بالاترین میانگین رتبه (۴,۷۶) به مولفه های C4 و C6، حضورپذیری و مشارکت اختصاص یافته است و بدین معناست که مهم ترین ریزمولفه های اجتماعی-فرهنگی اثرگذار بر سرزندگی، طراحی در جهت حضورپذیری و افزایش مشارکت کاربران می باشد (جدول ۸).

جدول ۹. جدول معنی‌داری آزمون فریدمن پرسشنامه C (ریزمولفه‌های اجتماعی-فرهنگی)

Test Statistics ^a	
N	50
Chi-Square	39.285
df	6
Asymp. Sig.	.000
a. Friedman Test	

براساس جدول فوق میزان خطای آزمون فریدمن برای ریزمولفه‌های اجتماعی-فرهنگی برابر ۰,۰۰۰ و کمتر از میزان خطای معیار است که این امر، درستی و قابل‌استنادبودن نتایج آزمون را نشان می‌دهد (جدول ۹).

جدول ۱۰. آزمون فریدمن پرسشنامه D (ریزمولفه‌های زیست‌محیطی)

Ranks	
	Mean Rank
D1	2.47
D2	2.86
D3	2.49
D4	2.18

مقایسه میانگین رتبه‌ها نشان می‌دهد که بالاترین میانگین رتبه (۲,۸۶) به مولفه D2، سازگاری با طبیعت اختصاص یافته است و بدین معناست که مهم‌ترین ریزمولفه‌ی زیست‌محیطی اثرگذار بر سرزندگی، سازگاری با طبیعت است (جدول ۱۰).

جدول ۱۱. جدول معنی‌داری آزمون فریدمن پرسشنامه D (ریزمولفه‌های زیست‌محیطی)

Test Statistics ^a	
N	50
Chi-Square	8.282
df	3
Asymp. Sig.	.041
a. Friedman Test	

براساس جدول فوق میزان خطای آزمون فریدمن برای ریزمولفه‌های زیست‌محیطی برابر ۰,۰۴۱ و کمتر از میزان خطای معیار است که این امر، درستی و قابل‌استنادبودن نتایج آزمون را نشان می‌دهد (جدول ۱۱).

جدول ۱۲. آزمون فریدمن پرسشنامه E (ریزمولفه‌های کالبدی-فیزیکی)

Ranks					
	Mean Rank		Mean Rank		Mean Rank
E1	7.11	E5	7.79	E9	5.96

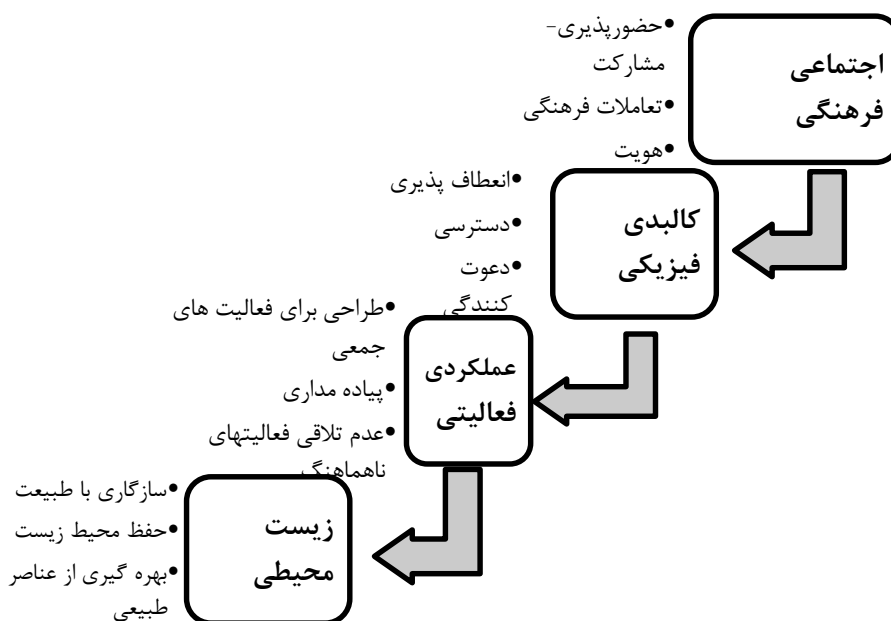
E2	7.78	E6	5.03	E10	5.13
E3	6.14	E7	8.77	E11	6.38
E4	5.59	E8	6.48	E12	5.84

مقایسه میانگین رتبه ها نشان می دهد که بالاترین میانگین رتبه (۸,۷۷) به مولفه E7، انعطاف پذیری فضا اختصاص یافته و بدین معناست که مهم ترین ریزمولفه ی کالبدی-فیزیکی اثرگذار بر سرزندگی، انعطاف پذیری است (جدول ۱۲).

جدول ۱۳. جدول معنی داری آزمون فریدمن پرسشنامه E (ریزمولفه های کالبدی-فیزیکی)

Test Statistics ^a	
N	50
Chi-Square	61.950
df	11
Asymp. Sig.	.000
a. Friedman Test	

براساس جدول فوق میزان خطای آزمون فریدمن برای ریزمولفه های کالبدی-فیزیکی برابر ۰,۰۰۰ و کمتر از میزان خطای معیار است که این امر، درستی و قابل استناد بودن نتایج آزمون را نشان می دهد (جدول ۱۳).



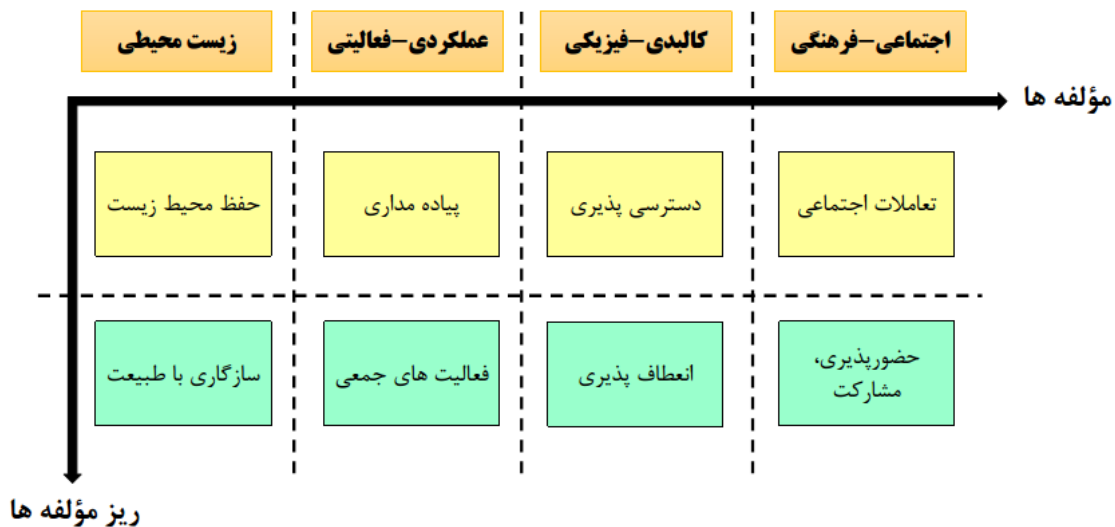
شکل ۵. اولویت بندی مولفه ها و ریزمولفه های اثرگذار بر سرزندگی مجموعه فرهنگی

نتیجه گیری و ارائه راهکارهای طراحی مکان های فرهنگی

با توجه به داده های ارائه شده، می توان تحلیل دقیق تری از اولویت بندی و ارتباط بین مولفه ها و ریزمولفه های اثرگذار بر سرزندگی ارائه کرد. تحلیل داده های آزمون فریدمن نشان داد که چندین عامل کلیدی در سرزندگی مکان های فرهنگی شناسایی شد:

۱. اجتماعی-فرهنگی (حضورپذیری، مشارکت و تعاملات اجتماعی)
۲. کالبدی-فیزیکی (انعطاف‌پذیری فضا، دسترسی پذیری)
۳. عملکردی-فعالیتی (طراحی برای فعالیت‌های جمعی، پیاده‌مداری)
۴. زیست‌محیطی (سازگاری با طبیعت و حفظ محیط زیست)

سرزندگی مکان‌های فرهنگی براساس مولفه‌ها و ریزمولفه‌های اثرگذار



شکل ۶. اولویت‌بندی مولفه‌ها و ریزمولفه‌های اثرگذار بر سرزندگی مجموعه فرهنگی

بر اساس این یافته‌ها، راهکارهای پیشنهادی برای طراحی مکان‌های فرهنگی سرزنده عبارتند از:

۱. افزایش حضورپذیری، تعاملات اجتماعی و مشارکت (بعد اجتماعی-فرهنگی)
 - ایجاد فضاهای گردهمایی: طراحی میدان‌ها، نشیمن‌های شهری، آمفی‌تئاترهای روباز و کافه‌های فرهنگی که تعاملات اجتماعی را تقویت کنند.
 - برگزاری رویدادهای فرهنگی: نمایشگاه‌های هنری، کارگاه‌های آموزشی و جشنواره‌های فرهنگی برای جذب افراد و افزایش پویایی فضا.
 - ایجاد فضاهای اشتراکی: فضاهای کار گروهی، کتابخانه‌های عمومی و مراکز گفت‌وگو که شهروندان را به مشارکت فعال ترغیب کند.
 - ایجاد ورودی‌های جذاب و خوانا: تا فضاها به راحتی درک شوند و حس دعوت‌کنندگی ایجاد شود.
۲. طراحی فضاهای انعطاف‌پذیر و دسترسی‌پذیری (بعد کالبدی-فیزیکی)
 - معماری تطبیق‌پذیر: استفاده از دیوارهای متحرک، مبلمان قابل تغییر و فضاهای باز و بسته شونده.
 - امکان تغییر کاربری فضاها: تا مکان بتواند متناسب با نیازهای مختلف، تغییر کند (مثلاً یک سالن همایش که بتوان از آن برای نمایشگاه هنری نیز استفاده کرد).
 - ایجاد فضاهای پویا و تعاملی: مانند دیوارهای نمایش دیجیتال که افراد بتوانند محتوای فرهنگی را به صورت تعاملی تجربه کنند.
 - بهبود سیستم حمل‌ونقل عمومی به مراکز فرهنگی: دسترسی راحت‌تر باعث افزایش حضور مردم می‌شود.

- رعایت استانداردهای دسترسی برای همه افراد: طراحی مناسب برای افراد کم توان جسمی و سالمندان.
- ۳. طراحی برای فعالیتهای جمعی (بعد عملکردی-فعالیتی)
- ایجاد مسیرهای پیاده روی و دوچرخه سواری متصل به مراکز فرهنگی: تا دسترسی آسان تر شود و افراد در مسیر فعالیتهای تفریحی انجام دهند.
- فضاهای چندمنظوره: طراحی فضاهایی که بتوان از آنها برای فعالیتهای مختلف (کنسرت، نمایشگاه، کارگاه آموزشی) استفاده کرد.
- ایجاد فضای بازی و سرگرمی برای کودکان و خانواده ها: تا حضور گروه های مختلف اجتماعی را افزایش دهد.
- ۴. ارتقای سازگاری با طبیعت (بعد زیست محیطی)
- افزایش فضای سبز در محیط های فرهنگی: استفاده از بام های سبز، دیوارهای سبز و محوطه های طبیعی برای افزایش کیفیت محیطی.
- بهره گیری از نور طبیعی و تهویه طبیعی: برای کاهش مصرف انرژی و ایجاد حس آرامش.
- استفاده از مصالح بومی و پایدار: برای تقویت ارتباط مکان فرهنگی با محیط زیست.

تعارض منافع

«هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است»

منابع

- اسدی، احمد، مودودی، مهدی و حسین آبادی، سعید. (۱۳۹۹). مدل سازی رابطه بین سرزندگی شهری و حس تعلق مکانی در شهر قاین. فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش و برنامه ریزی شهری، دوره ۱۱، شماره ۴۰، ۱۷-۳۰.
- اسکوئی ارس، علی و حکیمی، هادی. (۱۴۰۰). سنجش شاخص های سرزندگی شهری در سکونتگاه های غیررسمی (مطالعه موردی: سیلاب قوشخانه تبریز). پژوهش های جغرافیای برنامه ریزی شهری، دوره ۹، شماره ۱، ۱۴۳-۱۶۳.
- بازوندی، فرشاد و شهبازی، مهرداد. (۱۳۹۳). نقش سرزندگی در ایجاد تصویر ذهنی شهروندان و میزان بهره گیری از فضای شهری. دو فصلنامه پژوهش های منظر شهر، شماره ۱، ۳۳-۴۳.
- بحرینی، سیدحسین. (۱۳۸۲). فرایند طراحی شهری، تهران: موسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- بختیاری منش، الهام و بختیاری منش، محیا. (۱۴۰۰). بررسی نقش عوامل کالبدی در سرزندگی خیابان نوبهار کرمانشاه، با رجوع به آراء کاربران فضا. معماری و شهرسازی آرمانشهر، دوره ۱۴، شماره ۳۴، ۴۷-۶۴.
- بمانیان، محمدرضا. (۱۳۹۱). معماری اسلامی-ایرانی آموزش دهنده ارزش های فرهنگی، مجموعه مقالات طراحی الگوهای معماری اسلامی، ۱۲۱-۱۳۵.
- بنتلی، ای ین، الکک، آلن، مورین، پال، مک گلین، سو و اسمیت، گراهام. (۱۳۸۲). محیط های پاسخده (کتاب راهنما برای طراحان)، ترجمه مصطفی بهزادفر، انتشارات دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران.
- حیدرزاده، احسان و حقی، محمدرضا. (۱۴۰۰). تحلیلی بر سرزندگی خیابانهای تجاری شهری، نمونه مطالعه: بلوار نوبهار شهر کرمانشاه. جغرافیای اجتماعی شهری، ۸، ۲، ۲۴۵-۲۶۵.
- خراسانی زاده، فرنوش، صابری، حمید، مؤمنی، مهدی و موسوی، میرنجم. (۱۳۹۹). تبیین ساختاری عوامل مؤثر بر سرزندگی در فضاهای عمومی شهری اصفهان از دیدگاه شهروندان و گردشگران. نشریه جغرافیا و برنامه ریزی، دوره ۲۴، شماره ۷۲، ۱۵۱-۱۸۱.
- خستو، مریم. (۱۴۰۲). تاثیر مؤلفه های فرهنگی بر سرزندگی فضاهای شهری، آمایش محیط، شماره ۶۰، ۷۳-۹۲.
- خوش اندام، مریم، صلواتیان، سیده مامک. (۱۳۹۹). تبیین عوامل مؤثر در ارتقاء حس سرزندگی شهروندان در بناهای فرهنگی (بررسی موردی: شهر رشت)، معمارشناسی، ۳، ۱۴، ۱-۱۱.

- دادپور، سارا. (۱۳۹۰). سرزندگی فضاهای شهر (مطالعه موردی: بخشی از خیابان ولیعصر تهران)، نشریه سازمان زیباسازی شهر تهران معاونت برنامه ریزی و توسعه، دوره ۱، شماره ۲، ۱۰۱-۱۱۶.
- شربتیان، محمد حسن. (۱۳۹۰). تاملی بر ضرورت مبانی توسعه فرهنگی و اهمیت آن در جامعه ایران. فصلنامه مهندسی فرهنگی، ۶، ۵۹-۷۰.
- شریفی نیا، زهرا. (۱۳۹۹). تحلیل ساختاری -کارکردی طرح های هادی روستایی در ارتقای کیفیت سرزندگی روستائیان، مسکن و محیط روستا، دوره ۳۹، شماره ۱۷۰، ۱۱۱-۱۲۳.
- شهبازی، مهرداد؛ یگانه، منصور و بمانیان، محمدرضا. (۱۳۹۸). غربالگری عوامل سرزندگی محیطی در فضاهای باز مجموعه مسکونی شهر تهران با استفاده از تکنیک فازی. نشریه مدیریت شهری، دوره ۱۸، شماره ۵۴، ۱۴۷-۱۶۸.
- صمدی تودار، فواد. (۱۳۹۴). تبیین نقش کیفیت کالبدی در سرزندگی اقتصادی سکونتگاه های روستایی با تأکید بر فضای کارآفرینی، مطالعه موردی: دهستان خاوومیرآباد، شهرستان مریوان (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه زنجان، ایران.
- طاهرطلوع دل، محمدصادق و سادات، سیده اشرف. (۱۳۹۶). مؤلفه های عامل ایجاد سرزندگی ساکنین فضاهای زیستی، معماری و شهر پایدار، سال ۶، شماره ۱، ص ۴۷-۶۰.
- عارف حسینی، سیدعلی، پناهی، علی، آذر، علی و ولی زاده، رضا. (۱۴۰۰). سنجش و ارزیابی ابعاد سرزندگی در انواع فضاهای عمومی کلانشهر تبریز. مطالعات جامعه شناسی، ۱۴، ۵۲، ۹۱-۶۵.
- عظمتی، سعید، مظفر، فرهنگ، صالح صدق پور، بهرام و حسینی، سیدباقر. (۱۳۹۷). اصول طراحی فضاهای باز دانشگاهی براساس مدل سرزندگی و ارتقاء آموزش، نشریه فناوری آموزش، جلد ۱۲، شماره ۳، ۲۴۹-۲۵۸.
- عموزاده لیچایی، افشین و ابی زاده، سامان. (۱۴۰۱). واکاوی عوامل مؤثر بر ارتقاء سرزندگی فضاهای جمعی با تأکید بر نقش هنرهای شهری از دیدگاه شهروندان؛ مطالعه موردی: مجموعه پیاده راه فرهنگی شهرداری شهر رشت، پژوهش و برنامه ریزی شهری، دوره ۱۳، شماره ۴۸، ۱۳۶-۱۲۱.
- فرازمند راحله و صبی زاده مهشید. (۱۳۹۲). بررسی و تحلیل مؤلفه های تأثیرگذار بر سرزندگی از دیدگاه تعاملات اجتماعی در ارزیابی عملکرد فضاهای عمومی شهری (نمونه مطالعاتی محدوده ی پارکینگ شهرداری کرمانشاه)، پژوهش های شهری هفت حصار، ۲، ۶، ۲۹-۴۲.
- کریمی، رامین. (۱۳۹۴). راهنمای آسان تحلیل آماری با SPSS، تهران: انتشارات هنگام.
- کمانی، سپیده و کابلی، احمدرضا. (۱۴۰۳). ارزیابی معماری ایرانی و تعاملات اجتماعی در فضاهای فرهنگی، اندیشه های نو در علوم جغرافیایی، دوره ۲، شماره ۳، ۴۷-۶۲.
- گلکار، کوروش. (۱۳۸۶). مفهوم کیفیت سرزندگی در طراحی شهری، صفا، شماره ۴۴، ۶۶-۷۵.
- لینچ، کوین. (۱۹۸۱). تئوری شکل شهر، ترجمه: سیدحسین بحرینی، تهران: دانشگاه تهران.
- محمدخانی، فاطمه. (۱۳۹۵). شناخت مؤلفه های طبیعی تأثیر گذار بر ارتقای سرزندگی در مجتمع های مسکونی؛ مطالعه موردی: مجتمع مسکونی در تهران (پایان نامه کارشناسی ارشد). دانشکده هنر و معماری دانشگاه مازندران، ایران.
- محمدی، مریم. (۱۳۹۴). سنجش سرزندگی در فضاهای شهری و ارائه راهکار حذف فاصل میدان تجریش و میدان قدس، دانش شهر، شماره ۳۳.
- مدنی پور، علی. (۱۳۸۷). فضاهای عمومی و خصوص شهر (مترجم: فرشاد نوریان). تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- مصلی نژاد، علی، موحد، خسرو و کشمیری، هادی. (۱۳۹۷). ارزیابی تأثیر عناصر کالبدی معماری بر ارتقای سرزندگی شهروندان در معابر شهری، مورد مطالعاتی: خیابان عقیف آباد در شهر شیراز، معماری و شهرسازی آرمانشهر، شماره ۲۵، ۱۷۷-۱۸۸.
- معروفی، سکینه. (۱۴۰۰). بررسی نقش های سرزندگی پارک های شهری بر احساس تعلق محله ای (نمونه موردی: پارک شهدای هادی آباد قزوین)، گفتمان طراحی شهری، دوره ۲، شماره ۲، ۳۵-۴۷.
- منصوری، رضوانه و ثقفی اصل، آرش. (۱۳۹۹). شناسایی عوامل مؤثر در برنامه ریزی معماری مراکز فرهنگی بر اساس تقویت تعاملات اجتماعی شهروندان، نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۲۰، ۵۹، ۲۶۹-۲۸۹.
- مولایی هنجین، مهسا، کریمی آذری، امیررضا، کریمی، باقر و مهدی نژاد، جمال الدین. (۱۴۰۰). تحلیل سرزندگی در فضاهای مجموعه های مسکونی (مفهوم، مؤلفه ها و شاخص های تأثیرگذار). دانش شهرسازی، دوره ۵، شماره ۱، ۱۱۳-۱۲۹.
- نصری، سید رضا و حسنخانی، مهنوش. (۱۳۹۶). شهر و سرزندگی (پژوهشی در باب مولفه های سرزندگی فضاهای شهری). تهران: انتشارات گوهر دانش.
- نهبانندی، الهام. (۱۳۹۸). بازخوانی فرهنگی مفهوم سرزندگی در شهرهای ایرانی، هنر و تمدن شرق، سال ۸، شماره ۲۸، ۴۱-۵۲، ۱۳۹۹.

- هدایت نژاد کاشی، سیدمصطفی؛ هادیانی، زهره؛ حاجی نژاد، علی؛ عسگری، علی. سرزندگی شهری مفهومی میان رشته ای؛ (واکاوی اصول، ابعاد و شاخص ها)، مطالعات ساختار و کارکرد شهری، شماره ۲۰، ۷۵-۱۰۷.
- هریسون، لارنس. (۱۳۸۳). هانتیگون، ساموئل. اهمیت فرهنگ، ترجمه انجمن توسعه مدیریت ایران در حال تاسیس، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۰۲-۱۱۲.
- Allison, D., Georgopoulas, D., Gilchrist, W., Moore, J., Nadel, B., Simonsen, S., Williams, D. (2005). Livability 101. New York: The American Institute of Architects.
- Carr, S., Francis, M., Rivlin, L.G. and Stone, A.M., (1992), *Public Space. Cambridge: Cambridge University Press*.
- Jacobs, A & D. Appleyard (1987). Toward an Urban Design Manifesto. JAPA, 53(1), 112-120.
- Jalaladdini, S., & Oktay, D. (2011). Urban Public Spaces and Vitality: A Socio-Spatial Analysis in the Streets of Cypriot Towns. Paper presented at the Social and Behavioral Sciences journal, Famagusta, North Cyprus.
- Jin, X., Long, Y., Sun, W., Lu, Y., Yang, W., Tang, J. (2017). Evaluating cities' vitality and identifying ghost cities in China with emerging geographical data. *Cities*. Vol: 63, pp: 98-109.
- Kooshali, D., Azeri, A., Parvizi, R., Hosseini, S. (2015). Effect of Environmental Physical Elements in Creating Residential Complex's Vitality for the Enhancement of Social Interactions. *The journal of Procedia - Social and Behavioral Sciences*. Vol: 201, pp: 255-264.
- Landry, C. (2000). Urban vitality, a new source of urban competitiveness. *Archis*, 12, 8-13.
- Montgomery, J. "Making a City: Urbanity, Vitality and Urban Design". *Urban Design*, 3(1), pp. 93-116. 1998.
- Pourmohammad, S., & Nejad Sattari, S. (2011). The Criteria for Serving Vital Public Spaces with the Approaches of Open Spaces. *Danesh Nama*, 20(200-202), 24-35. [in Persian].
- Ryan, R. M & Frederick, Ch. (1997). "On Energy, Personality, and Health: Subjective Vitality as a Dynamic Reflection of Well- Being". *Journal of Personality*, Vole 65, Issue 3, pp. 529- 565.